

یک نکته، یک نظر

هشدار به‌موقع و همراهی به‌جا



احمدشیرزاد

داوود حشمتی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب، در یادداشتی به تاریخ ۲۳ شهریور، در همین روزنامه و همین ستون، به نقد بخش‌هایی از نوشته‌های من در موضوع مسائل هسته‌ای پرداخته که از جهات مختلف شایان توجه است. از خوانندگان عزیز بابت طولانی‌بودن این نوشته پوزش می‌خواهم؛ چاره‌ای نیست، مطلب را نمی‌شود به بخش‌های کوتاه‌تر تجزیه کرد. بیش از هر چیز خوشحالم که بحث درباره مزایا و معایب فناوری اصلی باز شده و موضوع مخالفت و موافقت اصحاب قلم و کارشناسان واقع شده است. نکته دیگر آنکه علی‌رغم همکاری آقای حشمتی با روزنامه شرق، یادداشت درج‌شده موضع خودشان است، نه موضع «شرق». قبل از شروع بحث خوب است توجه شود که آقای حشمتی در قالب نقد نظرات من، دفاع جانانه‌ای از بیانیه ۲۶ مرداد جبهه اصلاحات کرده است. این در حالی است که در نوشته‌های من اسمی از جبهه اصلاحات و بیانیه نیامده بود و فقط دیدگاهی که مدعی تعلیق یا تعطیل غنی‌سازی است مورد بحث واقع شده بود. پیش از این، من در یادداشت مورخ ۳۰ مرداد نقدی بر بیانیه جبهه اصلاحات نوشتم که در روزنامه شرق منتشر شد. آن زمان قصد داشتم با زبان دوستانه آن نقد را ادامه دهم و بیانیه را از جنبه‌های مختلف واکاوی کنم، اما دوستان عزیزم در «شرق» ادامه بحث در مورد بیانیه را به صلاح ندانستند و یادداشت دوم من را به چاپ نرساندند. من هم به نظر آنها احترام گذاشتم و آن بحث را متوقف کردم. دوستان «شرق» البته مخالفتی با بحث محتوایی درباره دیدگاه‌های مختلف نداشتند. برای من جای تعجب است که به بهانه نقد نظرات من در مسئله هسته‌ای، داوود حشمتی سخت به دفاع از بیانیه برخاسته و با شور و حرارت از جزئیات و عبارت‌های آن دفاع کرده است. اگر برویج‌های «شرق» از نظر قبلی خود برگشته‌اند و اجازه می‌دهند درباره جزئیات عبارت‌ها و ادبیات بیانیه بحث کنیم، بسم‌الله، ما آماده‌ایم. برویم سر اصل مطلب. ناکتار را در چند بخش عرضه می‌کنم. ۱- من طی چهار یادداشت که از ۱۲ تا ۱۶ شهریور در این ستون منتشر شد، استدلال کرده که غنی‌سازی (نه کلیت فناوری هسته‌ای) از وجه امنیتی- نظامی و نیز از وجه اقتصادی، به لحاظ ایجاد ارزش افزوده قابل توجه و تعیین‌کننده، در اقتصاد ما جایی ندارد. اما اهمیت سیاسی آن پابرجاست. این بیان، گزاره‌ای واضح و روشن است که نمی‌دانم داوود حشمتی با کجای آن مخالف است. بحث من ارزش‌گذاری روی میزان بهای سیاسی غنی‌سازی، در مقایسه با هزینه‌های انجام‌شده نیست، بلکه بحث بر سر ارزش سیاسی آن در حل حاضر است.

چالش بیست‌وچندساله کشورهای غربی با مسئله هسته‌ای ایران که عمده‌ترین وجه آن مسئله غنی‌سازی است، نشان می‌دهد موضوع مهم است و ارزش سیاسی دارد. مگر تمام تعاملاتی که ما با آژانس و کشورهای غربی داشتیم، نشان نمی‌دهد که غنی‌سازی ارزش سیاسی دارد؟ وقتی دشمنان ایران موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل می‌کشاند، بابت آن چند قطع‌نامه می‌دهند و تمام هم و غم خود را بر اجرای تحریم‌های اولیه و ثانویه می‌گذارند. این یعنی چی؟ خوب، یعنی پرونده سیاسی است و اهمیت سیاسی دارد. وقتی قریب به دو سال مذاکرات برجام به طول می‌کشد و عالی‌ترین مقامات سیاسی از دو طرف بر سر میز مذاکره می‌نشینند، آیا معنایی غیر از این دارد که مسئله غنی‌سازی حاوی وجه سیاسی است؟ و بالاخره وقتی موضوعی سیاسی شد، یعنی بر سر میز مذاکره می‌توان نشست و در مورد آن چانه‌زنی کرد.

چرا راه دور برویم، همین بیانیه جبهه اصلاحات می‌گوید اعلام کنید که ما غنی‌سازی را متوقف می‌کنیم، شما هم تحریم‌ها را لغو کنید. خوب، این معنایی غیر از این دارد که بروید با کالای سیاسی غنی‌سازی با غربی‌ها چانه‌زنی کنید؟ انتقاد امثال بنده به بیانیه جبهه اصلاحات عمدتاً مربوط به لحن و و ادبیات آن بود و اینکه اگر بنا به توصیه دوستان ایران پیشاپیش اعلام کند که دست از غنی‌سازی برمی‌دارد، با موضعی بسیار ضعیف بر سر میز مذاکره خواهد نشست.

۲- داوود حشمتی می‌گوید: «احمد شیرزاد توضیح نمی‌دهد که این کالای سیاسی چقدر ارزش دارد؟ آیا آن‌قدر ارزش دارد که ایران را فدای آن کنیم؟ آیا آن‌قدر ارزش دارد که ۲۰ سال توسعه کشور را تحت تأثیر قرار دهد؟ آیا ارزش آن را دارد که ارزش پول ملی را... سؤال این است که برای این کالای سیاسی چقدر باید هزینه داد؟»

این حرف‌ها و سؤال‌ها در کل و در جای خود مهم است و همه باید به آنها توجه کنند. تصور می‌کنم هیچ‌کس مدعی نیست که برای دستیابی به غنی‌سازی مجازیم اقتصاد و امنیت کشور و رفاه جامعه را به خطر بیندازیم. اما برادر من، این سؤال مال حالا نیست؛ این سؤال مربوط به ۲۴ سال قبل است که فعالیت هسته‌ای ایران برملا شد و حتی قبل‌تر از آن، زمانی که فعالیت‌های هسته‌ای در دولت مهندس موسوی و هاشمی‌رفسنجانی پی‌ریزی و دنبال شد. فراموش نکنید که جناب مهندس موسوی از مدافعان سرسخت برنامه هسته‌ای ایران بود و آنچه امروز می‌بینید دست‌نخست آن زمان است. در آن زمان باید سیاست‌گذاران وقت این ارزیابی‌ها را می‌کردند. افتخار می‌کنم که در مجلس ششم جزء اولین کسانی بودم که همین پرسش‌ها را از مسئولان وقت کردم. مجموعه اصلاح‌طلبان در مجلس ششم این هزینه‌ها را می‌دیدند و به‌درستی پیش‌بینی می‌کردند. اما متأسفانه دولت آن زمان دچار چالش و سردرگمی بود و امثال آقای آقازاده با دادن برآوردهای غلط از توان موجود، دولت را در نوعی بی‌تصمیمی و فقدان موضعی روشن نگه داشتند. بعداً چنانچه می‌دانید دولت احمدی‌نژاد گازش را به سمت غنی‌سازی بیشتر گرفت تا کار به دولت روحانی رسید. در آن زمان شعار «سانتریفیوژ بچرخد، اما چرخ مملکت هم بچرخد» توسط دولت روحانی، پاسخ آن دولت به همین سؤال اساسی بود که «برای این کالای سیاسی چقدر باید هزینه داد؟». بازگردای از مرور تاریخی این مسئله بگذریم.

اگر کسانی به انجام این هزینه‌ها در گذشته معترض هستند، بسیار خوب، می‌توانند قضاوت‌شان را در مورد آنچه انجام شده است، بگویند. در این یکی، دو دهه بسیاری از برآوردهای اشتباه صورت گرفت و بسیاری هم به وظایف‌شان عمل کردند. رسیدگی به تک‌تک آنها مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. البته اگر کسانی کشتگر سیاسی بودند و پس از مدت‌ها سکوت حالا می‌خواهند قضاوت غلط از توان موجود، دولت را در نوعی بی‌تصمیمی اعتراض‌شان هم چندان شنیدنی نیست. من شخصاً افتخار دارم که نه‌فقط در مجلس ششم، بلکه در سال‌های بعد از آن نیز پرونده‌ای برپار از هشدار نسبت به هزینه‌های سیاسی غنی‌سازی دارم که جای بحث آنها اینجا نیست، همکان می‌دانند.



«شرق» از گفت‌وگوی تلفنی عراقچی و اروپایی‌ها درباره اسنپ‌بک گزارش می‌دهد

آخرین تکاپوهای دیپلماتیک؟

پیشین، نتیجه ملموسی برای کاهش تنش‌ها به همراه نداشت و نشان‌دهنده ادامه شکاف‌ها در مواضع طرفین است.

از راینزی‌های تهران و الیزه تا تماس وزرای خارجه آمریکا و فرانسه

پیش‌تر در شب سه‌شنبه هفته جاری نیز عباس عراقچی، با ژان نوتل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد. محور اصلی این تماس مسائل مرتبط با مکانیزم موسوم به «اسنپ‌بک» و موضوعات کنسولی میان دو کشور بود. به نوشته ایسنا، وزیر خارجه فرانسه ضمن ابراز نگرانی از روند افزایش تنش‌ها، بر ضرورت حفظ فضای گفت‌وگو و بازگشت به مسیر دیپلماسی تأکید کرد. عراقچی در این تماس، فعال‌سازی مکانیزم اسنپ‌بک از سوی کشورهای اروپایی در شورای امنیت را فاقد وجاهت سیاسی و حقوقی خواند و آن را اقدامی در راستای افزایش بحران و تنش توصیف کرد. او همچنین بار دیگر بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد و با اشاره به توافق اخیر میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشت جمهوری اسلامی ایران همواره دیپلماسی را تنها مسیر حل‌وفصل مسائل بین‌المللی از جمله پرونده هسته‌ای خود می‌داند و آماده است هرگونه راه‌حل منصفانه و متوازن که منافع متقابل را تضمین کند، بپذیرد. دو طرف همچنین بر تداوم تماس‌ها و راینزی‌های دوجانبه در حوزه کنسولی تأکید کردند. در همان روز، مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا، با ژان نوتل بارو، همتای فرانسوی خود، تلفنی گفت‌وگو کرد. وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای کوتاه اعلام کرد دو طرف بر تعهد خود برای اطمینان از اینکه ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نمی‌یابد تأکید کردند. این گفت‌وگو در حالی انجام شد که برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران همواره تحت فشار سیاسی و اتهامات بی‌اساس غرب قرار داشته است. پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ میلادی) ناتوانی اروپا در اجرای تعهدات خود، ایران در چارچوب حقوق برجامی خود کام‌دهی در کاهش تعهدات برداشت. با این حال، توافق اخیر ایران و آژانس برای ازسرگیری بازرسی‌های فنی و مذاکرات دیپلماتیک، نشان‌دهنده تمایل تهران به حل موضوع از طریق دیپلماسی مشروط به ارائه ضمانت‌های واقعی برای رفع تحریم‌هاست. تماس‌های تلفنی انجام‌شده، به‌روشنی بیانگر ادامه تلاش ایران برای حفظ مسیر دیپلماسی و هم‌زمان مقاومت در برابر فشارهای غرب است، اما هنوز نتیجه ملموسی در کاهش تنش‌ها حاصل نشده است.

روایت کلاس و وزارت خارجه آلمان از تماس تلفنی عراقچی و ترونیکا

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دیروز چهارشنبه درباره گفت‌وگوی تلفنی با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، تأکید کرد تهران باید همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشد و بدون تأخیر اجازه بازرسی از سایت‌های هسته‌ای را بدهد. او با لحنی طبلکارانه هشدار داد: «پنجره دیپلماتیک برای حل پرونده هسته‌ای ایران در حال کوچک‌شدن است و فقط چند هفته تا اعمال مجدد تحریم‌ها فاصله باقی مانده». کالاس تصریح کرد ایران باید کام‌دهی معتبر و عملی برای برآوردکردن خواسته‌های فرانسه، انگلیس و آلمان بردارد. وزارت امور خارجه آلمان هم دیروز چهارشنبه با انتشار اطلاعیه‌ای جزئیات گفت‌وگوی تلفنی وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس و همچنین کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران را اعلام کرد. بر اساس این اطلاعیه، تماس تلفنی با هدف ادامه تلاش‌های دیپلماتیک در پرونده هسته‌ای ایران برگزار شد و طرف اروپایی بدون اشاره به همکاری‌های تهران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خواستار بازرسی بیشتر از سایت‌های هسته‌ای حساس ایران شد.

در این تماس، سه کشور اروپایی با تکرار مواضع پیشین خود ادعا کردند ایران هنوز اقدامات لازم برای تمدید قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را به صورت منطقی و دقیق انجام نداده است. آنها تأکید کردند ایران باید مذاکرات را از سر گیرد، اجازه بازرسی‌های بیشتر از سایت‌های هسته‌ای حساس بدهد و نسبت به ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا اقدامات جدی انجام دهد. به گفته وزارت امور خارجه آلمان، این گفت‌وگو با لحنی جدی و هشدارآمیز انجام شد و طرفین بار دیگر خطوط قرمز و انتظارات خود را به‌روشنی مشخص کردند.

یک سخنگوی وزارت خارجه آلمان در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه، ذیل ادبیات زیاده‌خواهانه ادعا کرد: «توپ در زمین ایران است». او افزود پیشنهاد تمدید موقت مکانیزم اسنپ‌بک در صورت انجام تعهدات مشخص از سوی ایران همچنان روی میز است، اما اقدامات فعلی تهران کافی به نظر نمی‌رسد. همچنین بر فوریت و عزم اروپا برای پیشبرد اعمال مجدد تحریم‌ها در صورت بی‌عملی ایران تأکید شد. به این ترتیب، روایت آلمانی‌ها از تماس تلفنی نشان‌دهنده تداوم اختلافات عمیق و کم‌رنگ‌بودن امیدها برای دستیابی به توافق دیپلماتیک است. در حالی که ایران طی ماه‌های گذشته تلاش‌های گسترده‌ای برای همکاری با آژانس و بازگشت به مذاکرات فنی انجام داده است، ترونیکا و آمریکا با سیاست‌های فشار مضاعف، چشم‌انداز دستیابی به توافق را تاریک‌تر کرده‌اند. تماس روز چهارشنبه نیز همانند گفت‌وگوهای

بدون تأثیرپذیری از فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی اتخاذ کند. او تأکید کرد هدف بیانیه‌های مقامات خارجی، اثزگذاری بر کشورهای اروپایی برای اتخاذ تصمیماتی به ضرر ایران است و تهران امیدوار است اتحادیه اروپا و ترونیکا با توجه به نقش تاریخی خود در برجام، مستقل و منصفانه عمل کنند. بقیای همچنین یادآور شد اگر آژانس به وظایف فنی خود طبق مصوبات عمل کند، نتیجه مطلوب برای همه اعضا خواهد بود، اما مشکل ایران این است که در مقاطع مختلف تحت فشار آمریکا و سه کشور اروپایی، آژانس گزارش‌ها و مواضعی اتخاذ کرده که فراتر از صلاحیت‌های فنی آن بوده است. او تصریح کرد تفاهمات اخیر با آژانس در صورتی معتبر خواهند بود که اقدام خصمانه‌ای علیه ایران صورت نگیرد، این شامل بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت نیز می‌شود. به گفته سخنگوی وزارت خارجه، ضرورتی ندارد که موضع روشن ایران به صورت یک‌جانبه در متن تفاهم درج شود، زیرا اساساً صورت‌مسئله در شرایط نقض تعهدات طرف مقابل تغییر خواهد کرد. ایران حق دارد در صورت تعلل یا زیاده‌خواهی غرب و آژانس، اقدامات متقابل را به اجرا بگذارد و این رویکرد، تضمین‌کننده منافع ملی و دفاع از حقوق قانونی کشور در چارچوب برجام و توافقات بین‌المللی است.

ایده تکراری «توقف در برابر توقف» جواب می‌دهد؟

در یکی از آخرین امیدها برای مدیریت بحران دیپلماسی هسته‌ای، توجهات به سفر پیش‌روی مسعود پزشکیان به سازمان ملل متمرکز شده است؛ سفری که می‌تواند نقطه عطفی در مدیریت بحران و کاهش تنش‌های فزاینده بین تهران و غرب باشد. در این راستا طیفی از ناظران باور دارند که رئیس‌جمهور در نیویورک با بهره‌گیری از ظرفیت دیدارهای دوجانبه و چندجانبه، بتواند ضمن مهار فشارهای دیپلماتیک، فضایی برای بازگرداندن گفت‌وگوهای سازنده ایجاد کند. کارشناسان دیپلماتیک تأکید دارند اگر ایران چارچوب همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در این سفر علنی کند، امکان تحقق یک توافق موقت به سبک «توقف در برابر توقف» یا همان «freeze-for-freeze» فراهم خواهد شد؛ به این معنا که توقف کام‌های هسته‌ای ایران در برابر کاهش فشارها و تحریم‌های می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع برای کاهش تنش‌ها عمل کند. در سطح اروپا، کارشناسان معتقدند همه‌چیز به سیگنال‌های هسته‌ای ایران وابسته است. هرگونه اقدام ایران در راستای همکاری فنی و شفافیت با آژانس، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشت مذاکرات دیپلماتیک و کاهش تنش‌ها داشته باشد. در مقابل، بی‌توجهی یا تأخیر در این حوزه، فضا را برای تشدید فشارهای اروپایی و آمریکایی فراهم خواهد کرد. در آسیا و دیگر مناطق، ظرفیت بالایی برای همکاری اقتصادی با ایران وجود دارد و پروژه‌های زیرساختی و انرژی می‌توانند اهرم‌های مؤثری برای تقویت دیپلماسی اقتصادی و کاهش اثرات فشارهای سیاسی باشند. اما طیف دیگری از ناظران ادعان دارند که کوتاهی زمان در بازگشت تحریم‌ها و نبود اراده از سوی غرب عملاً دست پزشکیان را هم در سازمان ملل خواهد بست.

همه چیز از دست خواهد رفت؟

در مجموع و با نزدیک‌شدن به روزهای سرنوشت‌ساز بازگشت تحریم‌ها و فعال‌سازی مکانیزم موسوم به «اسنپ‌بک»، پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای بحرانی شده است که می‌تواند برای همه طرف‌ها هزینه‌های سنگینی به همراه داشته باشد. تماس‌های دیپلماتیک اخیر میان عباس عراقچی با ترونیکا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و همچنین راینزی‌های ایران با فرانسه و گفت‌وگوهای آمریکا و فرانسه، نشان می‌دهد شکاف‌های عمیق و خطوط قرمز طرفین تا حد زیادی غیرقابل عبور باقی مانده است. تداوم سیاست فشار مضاعف از سوی اروپا و آمریکا در حالی است که ایران با همکاری فنی و دیپلماتیک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش می‌کند مسیر گفت‌وگو و توافق متوازن را حفظ کند.

عباس عراقچی شبهه‌شب در شبکه اجتماعی ایکس با تأکید بر وجاهت حقوقی، سیاسی و اخلاقی کشورهای اروپایی برای فعال‌سازی اسنپ‌بک نوشت: «مسئله تنها این نیست که سه کشور اروپایی هیچ حق قانونی، سیاسی یا اخلاقی برای فعال‌کردن سازوکار «اسنپ‌بک» ندارند، حتی اگر این حق را هم داشتند حکایت «استفاده نکنی از دست رفته» اینجا کارایی ندارد. تعبیر دقیق‌تر برای درواهی سخت پیش‌روی سه کشور اروپایی آن است که استفاده کنی، همه چیز از دستت رفته». این توییت به روشنی هشدار می‌دهد که هر اقدام شتاب‌زده و فشار یک‌جانبه می‌تواند به پیامدهای برگشت‌ناپذیری منجر شود و اعتبار و موقعیت اروپایی‌ها را بیش از پیش تضعیف کند.

همچنین اظهارات اسماعیل بقیای، سخنگوی وزارت امور خارجه، بر حق ایران در اتخاذ اقدامات متقابل در صورت بی‌تعهدی طرف‌های غربی تأکید دارد. با توجه به آنچه گفته شد، چشم‌انداز پیش‌رو، نقطه تقاطع فشار و دیپلماسی است؛ هرگونه غفلت یا اشتباه محاسباتی می‌تواند مسیر دیپلماسی را مختل و هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای تمامی طرف‌ها رقم بزند. اکنون بیش از هر زمان دیگری، ضرورت توازن، تدبیر و اراده جدی برای پیشبرد راه‌حل‌های منصفانه و متوازن، بیش از پیش احساس می‌شود و روزهای آینده می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت توافق هسته‌ای ایران باشد.

یادداشت

لاریجانی در ریاض و نقطه عطفی در مناسبات ایران و عربستان



بهمن اکبری

رایزن فرهنگی سابق ایران در عمان

در شرایط حساس و پرتنش منطقه خلیج فارس، سفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، به ریاض اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند فصل جدیدی در روابط پیچیده تهران و ریاض بگشاید. این سفر که پس از موج تحولات سیاسی و امنیتی منطقه از جمله حمله به قطر و اجلاس سران در دوحه انجام شد، نماد اراده دو طرف برای بازسازی اعتماد و گشودن درهای گفت‌وگوهای راهبردی است. در این چارچوب، دیدارهای لاریجانی با ولیعهد سعودی، محمد بن سلمان و امیر خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع، نه‌تنها به بررسی همکاری‌های دوجانبه، بلکه به تبیین نقش کلیدی برای ایران و عربستان در ثبات و امنیت کشورهای اسلامی در خاورمیانه می‌پردازد.

۱. **اهمیت و بسیر تاریخی سفر لاریجانی**

این سفر در نقطه عطفی تاریخی انجام شده که منطقه از تنش‌ها و بحران‌های متعددی متأثر است. پس از حمله به قطر، برگزاری اجلاس مهم سران کشورهای حاشیه خلیج فارس در دوحه و دیدارهای سطح بالای میان مقامات ایران و سعودی، فضای جدیدی برای تعاملات دیپلماتیک ایجاد شده است. دیدار قبلی دکتر پزشکیان با محمد بن‌سلمان نیز نشانه‌های روشنی از بازشدن مسیر گفت‌وگو و کاهش تنش‌ها در سطح رسمی است. در این میان، سفر لاریجانی به ریاض نشانگر عزم جدی‌تر ایران برای پیشبرد راهکارهای دیپلماتیک و مشارکت فعال‌تر در امنیت و ثبات منطقه‌ای است.

۲. **محتوای گفت‌وگوها و پیامدهای منطقه‌ای**

دیدار لاریجانی با محمد بن‌سلمان، نقطه کانونی این سفر است که بر آینده منطقه و نقش راهبردی دو کشور در ثبات کشورهای اسلامی متمرکز داشت. بنا به گزارش خبرنگار صدواسیما در ریاض، دو طرف به بررسی عمیق مسائل امنیتی، سیاسی و همکاری‌های دفاعی پرداختند که می‌تواند تحولی مهم در راستای کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌های مشترک فراهم کند.

قرار است همکاری‌های امنیتی و دفاعی ایران و عربستان در کنار دیگر کشورهای منطقه به طور جدی‌تر دنبال شود؛ موضوعی که می‌تواند موجب «تحکیم امنیت منطقه‌ای» و «تقویت هماهنگی» برای مقابله با چالش‌های مشترک باشد.

۳. **تأثیرات سفر در روند مذاکرات بین‌المللی و موضع آمریکا**

در حالی که وزیر انرژی آمریکا، کریس رایب، بر لزوم توقف کامل برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران برای بازگشت این کشور به تجارت جهانی تأکید کرده، سفر لاریجانی به ریاض در زمان مناسبی انجام شده است. این سفر می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت نقش منطقه‌ای ایران در چارچوب گفت‌وگوهای چندجانبه کمک کند، در حالی که کشورهای منطقه برای میانجیگری بین ایران و آمریکا تلاش می‌کنند. همکاری‌های منطقه‌ای که در گفت‌وگوهای تهران و ریاض شکل می‌گیرد، می‌تواند بار مثبت بر روند مذاکرات هسته‌ای و مسائل امنیتی داشته باشد.

۴. **تحولات مرتبط در خاورمیانه و تأثیر آن بر روابط ایران و عربستان**

در حالی که اسرائیل عملیات زمینی خود را در غزه آغاز کرده و پیشنهادهات امنیتی جدیدی به سوریه ارائه می‌دهد، فضای امنیتی منطقه به‌شدت ناپایدار باقی مانده است. این وضعیت، ضرورت گفت‌وگو و همکاری‌های امنیتی میان ایران و عربستان را بیش از پیش نمایان می‌سازد تا با مدیریت هوشمندانه، از شعله‌ورشدن بحران‌ها جلوگیری و مسیر ثبات منطقه هموار شود.

۵. **میانجیگری کشورهای منطقه در بهبود روابط ایران و آمریکا**

وزیر امور خارجه ایران اخیراً تأکید کرده تلاش‌های متعددی در منطقه از جمله از سوی قطر، برای میانجیگری میان ایران و آمریکا در جریان ادامه‌در صفحه ۳ یک کشور نیست.